

تحلیل سیاسی هفته (۱۰۸) تحلیلی بر ناآرامی‌های اخیر در هنگ کنگ

مقدمه

تظاهرات اخیر هنگ کنگ در «منطقه ویژه اداری چین» که به دلیل حمل چتر توسط معترضان اصطلاحاً به «انقلاب چترها» معروف شده است، فرآیندی است متشکل از دانشجویان و هواداران جنبش نافرمانی مدنی موسوم به اشغال مرکز (Occupy Central) که با تصرف میادین و برخی ساختمان‌های مهم دولتی سعی کردند بر دولت مرکزی در پکن فشار وارد کنند. درخواست معترضان در وهله نخست برکناری لونگ چون‌یینگ، رئیس دولت محلی هنگ کنگ است، اما خواسته اصلی آنها بر انتخاباتی متمرکز شده که قرار است در ۲۰۱۷ برگزار گردد و ریاست آینده دولت محلی هنگ کنگ با این انتخابات تعیین شود. معترضان با دولت مرکزی بر سر نحوه ارائه فهرست نامزدهای انتخاباتی اختلاف نظر دارند و همین مسئله موجب شده تا پکن برای نخستین بار در هنگ کنگ و بعد از جریان تلخ میدان «تین ان من» درگیر مهمترین آزمون سیاسی شود. به زعم برخی از کارشناسان این روند در صورت مهار نشدن می‌تواند به یک «تین ان من» دیگری مبدل گردد که تأثیرات منفی برای دولت «شی جین پینگ» به بار آورده که کمترین آنها کندی در روند رشد و توسعه اقتصادی می‌باشد و این درحالی است که «پکن» مشروعیت خود را با اتکا به اقتصاد تعریف کرده است. در این میان، سیاست پکن و نقش قدرت‌های غربی از اهمیت خاصی برخوردار است که به خصوص با توجه به سابقه تاریخی هنگ کنگ، نمی‌توان آن را نادیده گرفت. علاوه بر آن، نفس درگیری و تنش نشانه معناداری است که همانند هشدار باید مورد توجه جدی نخبگان سیاسی پکن قرار گیرد.

۱. سابقه مستعمراتی هنگ کنگ و مواضع بریتانیا

هنگ کنگ منطقه‌ای در شرق دلتای رودخانه مروارید است که از شمال با استان گوانگ دونگ و از جنوب مشرف به دریای جنوبی چین است و از چهار منطقه اصلی تشکیل شده است. این سرزمین به واسطه پیمان نانجینگ در تاریخ ۲۹ آگوست ۱۸۴۲ بین بریتانیا و چین به این قدرت اروپایی واگذار شد. این پیمان بعد از جنگ معروف تریاک در ژوئن ۱۸۴۰ منعقد شد، یعنی بعد از اینکه ناوگان دریایی بریتانیا با حمله به یانگ تسه کیانگ، شهر مهم شانگهای را اشغال کرد و با رسیدن به نانجینگ، دولت پکن را مجبور به قبول این پیمان و تحمیل مفاد آن نمود. مواردی مثل اجرای کاپیتولاسیون در مورد شهروندان بریتانیایی، حق بهره‌برداری بریتانیا از بنادر مهم چین و نرخ عوارض کالاهای وارداتی و صادراتی از جمله مفاد این پیمان بود که علاوه بر این موارد، قرار شد تا هنگ کنگ نیز به بریتانیا واگذار شود. حاکمیت بریتانیا بر هنگ کنگ ادامه داشت تا آنکه با اتمام مدت این پیمان در ۱۹۹۷ و با توافق بین لندن و پکن، این منطقه بار دیگر و تحت عنوان «یک دولت و دو سیستم» به چین بازگشت. با توجه به این سابقه است که نمی‌توان نقش یا مداخله انگلیس در اعتراضات فعلی را نادیده گرفت، چنانکه دیوید کامرون، نخست‌وزیر انگلیس نتوانست نسبت به اتفاقات این منطقه خویشتنداری نشان دهد. او حمایت علنی و صریح خود از معترضان را اعلام کرده و مدعی شد که وظیفه سنگینی در قبال این حوادث دارد. روشن است که مداخله در یک کشور خارجی راهبرد اصلی او در انجام این وظیفه است. جالب اینجاست که نخست‌وزیر انگلیس از پکن می‌خواهد اعتراضات هنگ کنگ را به عنوان اعتراضات دموکراتیک به رسمیت شناخته و درخواست آنها را قبول کند، در حالی که در طول حاکمیت کشورش بر این منطقه هیچ‌گاه به حقوق مردم این منطقه توجهی نداشت و اجازه انتخاب حاکم محلی به آنها در طول آن سال‌ها داده نشد.

معاونت پژوهش‌های
سیاسی - حقوقی
دفتر: مطالعات سیاسی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۶۰۱۳۹۲۹

تاریخ انتشار:

۱۳۹۳/۷/۲۲

۲. سابقه شورش‌های ضدحکومتی در چین

جمهوری خلق چین در سال ۱۹۸۹ بزرگترین و چالش‌انگیزترین رویداد سیاسی را تجربه کرد، زمانی که تظاهرات بزرگی در میدان «تین ان من» موسوم به «جنبش تین ان من» به راه افتاد و معترضان خواست‌های خود را در راستای آزادی‌های سیاسی و مدنی به گوش سران حزب کمونیست رساندند. به باور بسیاری از صاحب‌نظران، این جنبش جلوه‌هایی از بحران ناشی از کُند شدن روند توسعه اقتصادی بوده که می‌توان آن را «انقلاب انتظارات فزآینده» نام نهاد. نوسازی چین تحت لوای «سیاست درهای باز» که با رهبری «دنگ شیائو پینگ» از سال ۱۹۷۹ به اجرا گذاشته شد و گسلی بزرگ نسبت به سیاست‌های پیشین ایجاد کرد، وضعیت اقتصادی چین را دگرگون ساخت و افق نوینی را فراروی مردم ترسیم کرد. اما کُند شدن چرخ‌های اقتصادی در چین که از اواسط دهه ۸۰ پدیدار گردید، باعث ایجاد یأس و نگرانی در مردم و هراس از بازگشت دوران ریاضت و تنگدستی اقتصادی گذشته شد. این تحول به جنبشی انجامید که در ژوئن سال ۱۹۸۹ در میدان بزرگ «پکن» یعنی میدان «تین ان من» به جلوه‌ای از اعتراض تبدیل شد. بحران با دخالت ارتش و کشته شدن انبوهی از تظاهرکنندگان به پایان رسید و رهبران چین را مجاب کرد که فقط با سرعت بخشیدن به روند توسعه می‌توان از «تین ان من» دیگری پرهیز کرد. با گام‌های بلند در دوره زمامداری ده ساله «هو جین تائو» و تحت زعامت فعلی «شی جین پینگ» تا حدود زیادی «امپراتوری میانه» (نامی که چینی‌ها کشورشان را مورد خطاب قرار می‌دهند) در مسیر توسعه اقتصادی پایدار قرار گرفته است. در چنین شرایطی وقوع اعتراضات گسترده بر ضد سیاست‌های حکومت چین در هنگ‌کنگ هدف کلان این کشور را که همانا ارتقای سطح رشد و توسعه اقتصادی در سایه ثبات سیاسی است، در معرض چالش قرار می‌دهد و چه‌بسا تسری آن به سایر مناطق با وضعیت مشابه را به گزینه‌ای محتمل و ممکن تبدیل سازد.

۳. پیامدهای شورش هنگ‌کنگ

۱-۳. پیامدهای سیاسی؛ ضرورت اعمال اصلاحات سیاسی

دستاوردهای نظری در حوزه علوم سیاسی و همچنین تجارب سیاسی در کشورهای مختلف نشان داده که پیشبرد توسعه اقتصادی بدون مبادرت به اصلاحات سیاسی در بلندمدت امکان‌پذیر نمی‌باشد و در صورت انسداد تحولات سیاسی، روند توسعه اقتصادی با کندی و چالش روبه‌رو خواهد شد. تحولات اخیر در هنگ‌کنگ که بخشی از سرزمین بزرگ چین است نشان می‌دهد که «پکن» در ادامه سیاست‌های پیشبرد توسعه اقتصادی بدون اصلاحات سیاسی با چالش مواجه می‌باشد. تحولات اخیر هنگ‌کنگ بر این نکته صحنه گذارد که برخلاف باور رایج، شکوفایی اقتصادی و رفاه ناشی از آن به تنهایی اقناع‌کننده مردم نیست و آنها هم‌زمان با رشد اقتصادی خواهان آزادی‌های مدنی و مشارکت در نحوه اداره جامعه خویش نیز هستند. درواقع، توسعه سیاسی و اقتصادی دو بال شکوفایی یک کشور بوده و یکی بدون دیگری مخاطره‌انگیز است و رونق اقتصادی در صورت فقدان تضمین‌ها و ترتیبات سیاسی همیشه در خطر خواهد بود. نگاهی به هنگ‌کنگ پس از سال ۱۹۹۷ بر این باور غلط که همه چیز در شکوفایی اقتصادی خلاصه می‌شود خط بطلان کشیده است. مردم هنگ‌کنگ خواستار آنند که اعضای «شورای مقننه» شهر خود را انتخاب نمایند، ولی کاندیداها برای احراز مقام اول اجرایی هنگ‌کنگ که قرار است برای نخستین بار در سال ۲۰۱۷ برگزار شود، باید به تأیید «پکن» رسیده و مردم از میان کاندیداهای معرفی شده یکی را انتخاب نمایند. این تصمیم که اخیراً به‌وسیله «کنگره ملی خلق چین» (پارلمان این کشور) اتخاذ شد، خشم رأی‌دهندگان در «منطقه ویژه اداری هنگ‌کنگ» را برانگیخت و تظاهرات گسترده فعلی را جاری ساخت. در اینجا باید نگرانی‌هایی از قبیل هجوم گسترده ثروتمندان چین و رانت‌خواری و فساد ناشی از آن را که ضرباتی به جامعه تجاری هنگ‌کنگ وارد کرده به علل نارضایتی‌ها اضافه کرد.

در تمهیدات حقوقی پس از امضای موافقتنامه الحاق (بازگشت هنگ‌کنگ به کشور مادر) میان بریتانیا و چین در سال ۱۹۹۷، «منطقه ویژه اداری هنگ‌کنگ» از مرز مشخص، گذرنامه، نظام سرمایه‌گذاری، محاکم قضایی به سبک بریتانیا و دولت خودمختار برخوردار گردید که به مدت پنجاه سال از آن تاریخ در هنگ‌کنگ لازم‌الاجرا می‌باشد. تصور غالب در آن مقطع زمانی این بود که آزادی‌های مدنی در هنگ‌کنگ به‌عنوان پیش‌درآمدی بر باز شدن تدریجی فضای سیاسی در کل چین عمل نماید، چراکه دولت چین در ادامه رشد و رونق اقتصادی راهی جز آزادسازی سیاسی ندارد. معهدا پکن براساس تفکر راهبردی یکپارچگی سرزمین مادری

شیوه‌ای را به تدریج اتخاذ کرد که در آن خودمختاری هنگ‌کنگ محدودتر شد.

در سال واگذاری هنگ‌کنگ به چین، اقتصاد این منطقه ۱۸ درصد اقتصاد «چین قاره‌ای» بود و این رقم امروز در سال ۲۰۱۴ به ۳ درصد رسیده است و چین ۳۰ برابر هنگ‌کنگ تولید کالا و خدمات دارد. از لحاظ درآمد سرانه مردم این منطقه ویژه اداری از مردم چین قاره‌ای ثروتمندتر هستند - ۳۸ هزار در مقابل ۶۸۰۰ دلار - ولی چین به سرعت مشغول کم کردن این فاصله می‌باشد. چین هم‌اکنون قدرت دوم اقتصادی جهان است که در دکترین اقتصادی پکن پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۴ مقام اول را در این زمینه احراز نماید. از این رو، انتظار می‌رود مقامات پکن مواضع منطقی‌تری نسبت به سال ۱۹۸۹ اتخاذ نمایند.

۲-۳. پیامدهای ژئوپلیتیک

نحوه برخورد «پکن» با تظاهرکنندگان که خواهان دخالت نکردن چین در انتخاب نمایندگان سیاسی و حتی اقتصادی در هنگ‌کنگ هفت میلیونی هستند سرنوشت آتی فضای سیاسی در «امپراتوری میانه» یک میلیارد و ۳۰۰ میلیونی را رقم خواهد زد، همچنین در اداره «ماکائو» دیگر «منطقه ویژه اداری کشور»، «تایوان» (به‌عنوان آخرین سرزمین مادری چین که هنوز به دامان کشور برنگشته)، منطقه مسلمان‌نشین (اویغورها) سین کیانگ و همچنین بخش جدایی‌طلب سرزمین تبت تأثیر خواهد گذارد که در این میان تایوان از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. چینی‌ها تایوان را یک استان شورشی می‌دانند که دیر یا زود باید به سرزمین مادری برگردد. این عمل می‌تواند طی یک فرآیند مسالمت‌آمیز و یا براساس یک راه‌حل آزادیبخش مسلحانه صورت گیرد. با توجه به این نگرش کلی هرگونه رفتار و اعمالی که در حمایت از استقلال و جدایی تایوان صورت گیرد مطلقاً مورد رضایت چین نخواهد بود. به‌عبارت دیگر چین، تایوان را بخشی از منافع حیاتی خود (تمامیت ارضی) می‌داند که غیرقابل مذاکره بوده و هر حرکتی برای تهدید این منافع حیاتی در حد اعلان جنگ به چین خواهد بود. در حوزه مسالمت‌آمیز، پکن الگوی «یک کشور و دو سیستم» را برای الحاق تایوان به چین پیشنهاد داده است؛ هر چند این الگو بیشتر در زمانی صادق بود که چین، سوسیالیستی باقی مانده بود و حال که رفتار چین کاملاً سرمایه‌دارانه است این پیشنهاد هم می‌تواند کم‌اهمیت جلوه کند. الگوی یک کشور و دو سیستم، الگویی است که به نوعی درباره ماکائو و هنگ‌کنگ هم تجربه شده است و پکن امیدوار است این الگو حتی با ویژگی‌های منحصر به فردتری در مورد تایوان اعمال گردد. به‌عبارت دیگر از دید پکن اگر تایوان الگوی یک کشور و دو سیستم را با هر کیفیتی بپذیرد، پکن آن را می‌پذیرد. مهم آن است حاکمیت چین بر تایوان گسترش یابد. این بدان معناست که تحقق استراتژی برای پکن مهم‌تر از اجرای تاکتیک است. در حالی که پکن این استراتژی و این تاکتیک را در مقابل تایوان اعمال می‌کند، تاپیه به نوبه خود تمایل دارد رابطه «دولت با دولت» در روابط چین و تایوان برقرار باشد. معنای این عبارت آن است که تاپیه فعلاً نمی‌خواهد بپذیرد که بخشی از چین است. حمایت ایالات متحده از تایوان، این انگیزه را در تاپیه بیش‌تر تقویت می‌کند. لذا فعلاً تنها سیاستی که بر روابط دو کشور تایوان و چین حاکم است سیاست «صبر و انتظار» است. یعنی باید نظاره‌گر تداوم روابط به شکل موجود بود تا این که در آینده که گاهی اوقات ۵۰-۲۰ سال پیش‌بینی شده است، تحولی رخ دهد.

در تحولات اخیر هنگ‌کنگ، مقامات تایوانی معتقدند ماکائو و هنگ‌کنگ سال‌ها مستعمره غرب بودند و لذا استدلال چین برای الحاق آنها به سرزمین اصلی قابل توجیه است، اما تایوان هیچگاه مستعمره کشور خارجی نبوده است که تحت حاکمیت چین درآید. در واقع دشواری‌های چین از همین جا آغاز می‌شود که اگر سرکوب را در دستور کار خود قرار دهد، بر میزان نفرت ساکنان هنگ‌کنگ و تایوان خواهد افزود. اما چین بی‌هیچ ملاحظه‌ای به‌صراحت اعلام کرده است که با هر رفتار غیرقانونی در هنگ‌کنگ و یا اقدام استقلال‌طلبانه در تایوان که به ثبات سیاسی و اجتماعی این مناطق لطمه زند، مخالف است. برخی آگاهان سیاسی می‌گویند، از آنجا که چین توانست شورش‌های بزرگ و برخی تحولات سیاسی ضدچینی را در تبت و سین کیانگ مهار کند، فایق آمدن بر اوضاع هنگ‌کنگ برای آن چندان دشوار نخواهد بود.

۴. مواضع و گزینه‌های فراروی پکن

واقع‌ه میدان «تین ان من» بیشتر نتیجه بی‌تجربگی دولت پکن بود، چراکه تنها یک دهه از سیاست درهای باز دنگ شیائوپنگ گذشته بود و مقامات چینی هنوز آمادگی لازم را برای برخورد مناسب با اعتراضات مدنی نداشتند و متوجه نبودند این نحو واکنش تناسبی با آن سیاست ندارد. به نظر می‌رسد آن تجربه‌های ناشی از جریان میدان «تین ان من» در اعتراضات اخیر هنگ‌کنگ نمود پیدا کرده است. نحوه حضور نیروهای پلیس در برابر معترضان طی این روزها نشان می‌دهد مقامات پکن با درس گرفتن از آن واقعه تلخ بیشتر سعی در کنترل اوضاع دارند تا آنکه حرکتی خشن از خود نشان دهند. پلیس ضدشورش هنگ‌کنگ در روزهای نخست سعی در متفرق کردن معترضان داشت، اما آرام آرام از خیابان‌ها کنار کشید تا آنکه بهانه‌ای برای شدت بخشیدن به اعتراضات به دست ندهد و کار به جایی نرسد که از کنترل خارج شود. به همین جهت است که چئونگ تاک کئونگ، دستیار کمیسر پلیس در امور عملیاتی، اعلام کرده پلیس حداقل نیروی لازم را به کار برده و تصاویر منتشره هم نشان می‌دهد که در خیابان‌های هنگ‌کنگ دیگر خبری از آن حضور نظامی نیست و نیروهای پلیس نیز به صورت گسترده به چشم نمی‌خورد. در این راستا به نظر می‌رسد که پکن اوضاع هنگ‌کنگ را از دو دیدگاه اساسی مدنظر قرار داده است:

- دیدگاه نخست به مداخلات خارجی مربوط می‌شود که با توجه به سابقه تاریخی هنگ‌کنگ از اهمیت خاصی برخوردار است. رهبران چین متوجه‌اند که سیاست بی‌ثبات‌سازی در مناطق این کشور در دستورکار قدرت‌های خارجی و به‌خصوص غربی قرار دارد تا آنکه تقابل خود با چین را در مناطق مختلف این کشور عملی کنند. تبت یکی از این مناطق است که کشورهای غربی سال‌هاست این سیاست را در مورد آن اعمال می‌کنند تا آنجایی که دیدار باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا با دالایی لاما، رهبر جدایی‌طلبان تبت در فوریه سال جاری، اعتراض چین را برانگیخت و سخنگوی وزارت خارجه چین هم در این مورد گفت دیدار بین رئیس‌جمهور آمریکا و دالایی لاما «دخالت بی‌دلیل در مسائل داخلی چین و نقض آشکار اصول روابط بین‌الملل است». دولت چین حالا هم اوضاع هنگ‌کنگ را بی‌ارتباط با این سیاست غربی نمی‌داند و به همین جهت است که وزارت خارجه چین اعلام کرد هرگونه حمایت خارجی از جنبش غیرقانونی در هنگ‌کنگ را تحمل نخواهد کرد. این هشدار است از پکن به قدرت‌های غربی که با توجه به قدرت اقتصادی چین و نقش آن در معادلات بین‌الملل اهمیت قابل توجهی دارد. در توضیح مطلب باید افزود که غرب برای تضعیف قدرت و موقعیت بین‌المللی چین تمایل به حمایت از اعتراضات در هنگ‌کنگ دارد و موارد مشابه در دیگر کشورها نشان می‌دهد این حمایت تنها لفظی و معنوی نبوده، بلکه حمایت‌های مالی و تبلیغاتی قابل توجهی نیز وجود دارد. دولت چین سعی دارد تا با اعمال محدودیت بر شبکه اجتماعی اینستاگرام حداقل زمینه حمایت‌ها در فضای اینترنتی را محدود کند، اما این حداقل کاری است که می‌تواند انجام دهد و باید از قدرت اقتصادی و نحوه بازی در عرصه بین‌الملل، قدرت‌های غربی را متوجه عواقب دخالت‌هایشان در هنگ‌کنگ کند.

- دیدگاه دوم به اعتراضات و به‌خصوص رهبران و سازمان‌دهندگان آن مربوط می‌شود. گزینه اقدام قهرآمیز برای چین مخاطراتی در تسری موج مخالفت‌طلبی به دیگر مناطق این کشور و به‌ویژه تایوان که اخیراً شاهد اعتراضاتی درخصوص حضور گسترده اقتصاد چین در این جزیره بود، دربرخواهد داشت و بلاشک فرآیند الحاق تایوان به چین را دچار معضل اساسی خواهد کرد. علاوه بر آن چنین اقدامی «پکن» را با اعتراضات عمدتاً کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا مواجه خواهد کرد که ممکن است در صورت تشدید و تیرگی روابط میان آنها شتاب اقتصادی چین را تحت تأثیر قرار دهد و این درحالی است که «پکن» مشروعیت خود را در ادامه پویایی اقتصادی می‌داند و هر خللی گرچه کوتاه‌مدت می‌تواند چالش‌ساز باشد. نکته مهم دیگر آنکه اگر در این جریان اقتصاد هنگ‌کنگ آسیب‌پذیر شود، آثار منفی آن گریبانگیر خود چین نیز می‌گردد. بنابراین، از آنجاکه اقدام قهرآمیز با پیامدهای زیان‌بار فراوانی همراه خواهد بود، نخستین گزینه پکن مدارا و مذاکره با معترضان است، این انتخاب می‌تواند حمایت مردم را که متحمل ضرر و زیان شده‌اند به دنبال داشته باشد و در نهایت منجر به فروکش کردن موج اعتراضات خواهد شد. از زمانی که اعتراضات آغاز شده، تجار محلی بین ۲۰ تا ۳۰ درصد نسبت به معاملات قبل از بحران ضرر و زیان متحمل شده‌اند. درواقع، دولت چین با درس گرفتن از تجربه تلخ گذشته، اکنون مسیر گفتگو را در پیش گرفته است. درواقع گزینه دوم این است که پکن امتیازاتی را همراه با متن‌بهرسازی

سردمداران معترضان اعطا کند. از جمله اقدامات «پکن» در بحران‌های مشابه برکناری مقاماتی بوده که در رأس امور بوده و موجبات تشدید وخامت اوضاع را فراهم می‌کردند. در این راستا احتمال به استعفا کشانیدن «له اونگ چون اینگ» رهبر فعلی هنگ کنگ که در حقیقت منصوب «پکن» است، بسیار محتمل به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر، اصل مسئله در فهرست باز یا فهرست تأیید شده از سوی پکن برای انتخابات ۲۰۱۷ است که معترضان با آن مخالف بوده و بر فهرست باز اصرار دارند. عدم توافق در مورد این مسئله باعث بروز اعتراضات و خشونت‌ها شده و روشن است که راه‌حل این وضعیت در رسیدن توافقی بین دو طرف است. از سخنان رئیس دولت محلی چنین برمی‌آید که مذاکراتی با رهبران معترضان برای کنترل اوضاع انجام شده و حالا دولت منتظر است تا آنها به وعده خود عمل کنند. در همین راستا مسئله انتخابات رهبر هنگ کنگ در سال ۲۰۱۷ به وسیله کمیته برگزیده از طرف «پکن» که یک یا دو کاندیدا را معرفی نماید به اضافه جمع دیگری به عنوان نمایندگان مردم هنگ کنگ می‌تواند به فروکش کردن چالش فعلی کمک کند. لازم به تأکید است که پکن کماکان قدرت مانور خود را با تعدیلاتی حفظ خواهد نمود، معهداً تحولات هنگ کنگ بر آینده عملکرد چین نه تنها در مناطق ویژه اداری و تایوان، بلکه بر کل چین سایه خواهد افکند. در هر صورت، دولت چین در عین توجه به مداخلات خارجی مسیر گفتگو با معترضان را در پیش گرفته و امیدوار است تا با پیمودن این مسیر در آزمون پیچیده فعلی موفق شود و دیگر واقعه تلخ «تین ان من» تکرار نشود.

نتیجه‌گیری

چین این روزها با دومین آزمون بزرگ سیاسی طی سه دهه گذشته مواجه است. تحولات و ناآرامی‌های هنگ کنگ مقامات پکن را در موقعیت پیچیده‌ای قرار داده است. آنها به خوبی می‌دانند که شرایط امروز از حساسیت بالاتری نسبت به سال ۱۹۸۹ و ماجرای میدان «تین ان من» برخوردار می‌باشد و از این رو، با کسب تجربه از گذشته با دقت و ظرافت با تحولات هنگ کنگ برخورد می‌کنند. از پیام‌های مهم این شورش‌ها آن است که سران حزب کمونیست ناگزیرند توسعه سیاسی را نیز هم‌وزن توسعه اقتصادی جدی بگیرند. از سوی دیگر، شدت عمل به خرج دادن در برابر اعتراضات هنگ کنگ تبعات و پیامدهایی در سایر حوزه‌های ژئوپلیتیک مانند ماکائو، تایوان، تبت و سین کیانگ خواهد داشت. از این رو است که مقامات پکن راه حل ترکیبی در پیش خواهند گرفت، راه‌حلی که بر کسب رضایت معترضان هنگ‌کنگی مبتنی باشد و در عین حال مطلوبیت‌های سیاسی پکن را نیز برآورده سازد تا بدین ترتیب مقدمات برگزاری انتخابات ۲۰۱۷ هنگ کنگ فراهم گردد و بدین ترتیب باب اعتراضات و تظاهرات بسته شود. لکن همچنین چین به دقت مواضع و تحرکات کشورهای غربی در قبال اعتراضات هنگ کنگ را دنبال کرده و تلاش می‌کند تا زمینه بهره‌برداری سیاسی از این اعتراضات توسط این کشورها ایجاد نشود. طبعاً دخالت کشورهای غربی در این مسئله نتیجه‌ای جز پیچیده‌تر شدن معادلات سیاسی داخلی چین را در پی نخواهد داشت.

